

طرح دعوی نقض حقوق رقابت علیه اوپک و دفاع مصونیت: داستانی تکراری در مراجع قضایی آمریکا

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۶

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۴/۱۴

سید محمد طباطبایی نژاد^۱

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

اوپک به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی در حوزه نفت و گاز به منظور ایجاد هماهنگی در خط‌مشی نفتی کشورهای عضو آن شکل گرفته است. به گمان عده‌ای برخی از بحران‌های جهانی در حوزه قیمت‌گذاری انرژی ناشی از سوءاستفاده از قدرت عرضه برای افزایش درآمد بوده است. در این راستا قوانین «حقوق رقابت» در زمره مهم‌ترین ابزار حقوقی برای مقابله با این به اصطلاح «تروربسم اقتصادی» اوپک قرار دارد. با این حال ماهیت جزایی مقررات حقوق رقابت، اعمال آن به اقدامات و عملکرد اوپک را دشوار ساخته است. در مقابل در نظام حقوقی آمریکا بسیاری از جنبه‌های این مقررات با ضمانت اجرای مسئولیت مدنی همراه بوده و ماهیت حقوقی این گونه دعاوی و افزایش گرایش‌هایی در حقوق بین‌الملل مبنی بر کاهش گستره قاعده مصونیت، گمان‌هایی بر امکان موفقیت طرح چنین دعاوی را پررنگ ساخته است. این مقاله با اشاره‌ای مختصر به تاریخچه طرح این دعاوی با رویکردی تحلیلی - توصیفی به بررسی امکان و محدودیت‌های طرح این دعاوی و میزان انطباق آن با سیاست‌های عمومی در حقوق بین‌الملل در خصوص قاعده مصونیت می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اوپک، حقوق بین‌الملل، مصونیت، سازمان‌های بین‌المللی

مقدمه

اوپک به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی در حوزه نفت و گاز به منظور ایجاد هماهنگی در خط‌مشی نفتی کشورهای عضو و در راستای تثبیت قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی شکل گرفته است.^۲ برخی از سیاستمداران کشورهای توسعه‌یافته بر این باورند که

1. Email: sm.tabatabaei@ut.ac.ir

۲. برای بررسی جامع شکل‌گیری و ساختار اوپک مراجعه کنید به:

Brown, Gavin (1993) OPEC and the World Energy Market: A Comprehensive Reference Guide, 2nd ed. & Ajomo, A.(1977) An Appraisal of the Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC), 13 TEX. INT'L L.J. 11

اوپک با استفاده از ظرفیت قدرت عرضه خود در تلاشی هماهنگ برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی در عرصه بین‌المللی تلاش می‌کند. در کنار راهکارهای سیاسی که در بازه‌های زمانی متفاوت به کار گرفته می‌شود، استفاده از ابزارهای حقوقی نیز روشی قابل توجه در نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته برای مقابله با این اقدامات اوپک تلقی می‌گردد. استفاده از ظرفیت‌هایی که در قوانین ضدتراست^۱ یا حقوق رقابت^۲ وجود دارد، همواره به عنوان اولین پیشنهاد برای مبارزه حقوقی با این تدابیر اوپک بوده است. با این حال ماهیت ابتدایی قوانین ضدتراست جنبه‌ای کیفری و انتظامی به خود می‌گیرد که قابلیت اعمال آن به سازمان اوپک و یا اعضای آن را با دشواری همراه می‌سازد. در واقع پیگرد کیفری عملکرد اوپک به صورت مستقل یا طرح دعوی کیفری علیه کشورهای عضو این سازمان می‌تواند به صورت صریح نقض قاعده مصونیت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تلقی گردد. در کنار این رویکرد کیفری، جنبه دیگری که در نظام حقوقی آمریکا بیش از سایر کشورها چهره عملی به خود گرفته است، استفاده از ظرفیت‌های حقوق خصوصی برای دستیابی به اهداف سیاست عمومی کشور است. در واقع هنگامی که توانایی و قابلیت‌های نظام بودجه مالی و منابع انسانی دولت امکان مقابله مؤثر با اقدامات ناقض سیاست‌های اصلی کشور را مهیا نمی‌کند، چنین دولتی می‌تواند اهداف اصلی خود را با تکیه بر جنبه‌های خصوصی این اقدامات و مفهوم بنیادین مسئولیت مدنی به منظور جبران خسارات وارده دنبال نماید. بر این اساس از همان ابتدا در قانون شرم^۳ و سپس قانون کلایتون به عنوان قوانین مبنایی برای مقابله با اقدامات ضد حقوق رقابت، طرح دعوی خصوصی نه تنها ممکن، بلکه مورد تشویق قرار گرفت. گستره این

1. Antitrust

2. Competition law

البته بایستی توجه نمود که یک تفاوت عمیق میان قوانین ناظر بر رقابت منصفانه و قوانین ناظر بر حقوق رقابت وجود دارد.

۳. اولین تلاش در آمریکا برای مقابله با انحصار لایحه شرم بود که در سال ۱۸۹۰ به تصویب کنگره رسید (۱-۷) § ۱۵ U.S.C. § ۲۰۹, ۲۶ Stat. ۶۴۷, ch. ۶۴۷, ۱۸۹۰, July ۲); این قانون در کنار قوانین مختلفی از جمله قانون کلایتون ۱۵، ۱۹۱۴، codified at ۱۵ Stat. ۷۳۰, enacted October ۱۵, ۱۹۱۴, Pub.L. ۶۳-۲۱۲, ۳۸ Stat. ۵۳-۵۴) § ۲۷-۱۲, ۲۹ U.S.C. § ۱۲-۲۷, U.S.C. قانون کمیسیون تجارت فدرال و قانون رابینسون - پتمن چارچوب حقوق رقابت آمریکا را تشکیل می‌دهد. برای مطالعه بیشتر ر. ک: صادقی، محمود، تعامل و همزیستی قراردادهای پروانه بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۴۳، صص ۲۴۹ تا ۲۸۲ (۱۳۸۶).

امر تا حدی است که در اغلب موارد طرح دعوی توسط سازمان‌های دولتی متولی حمایت از رقابت سالم در بازار قالب مسئولیت مدنی به کار گرفته می‌شود. این جنبه دوگانه نظام حقوق رقابت در آمریکا که تلفیقی از نظام دادستان خصوصی و طرح دعاوی خصوصی به منظور پیگیری اهداف عمومی است، تردیدی را که در رابطه با امکان طرح دعوی علیه اوپک مطرح بوده است کمرنگ کرده است. گسترش این امکان در نظام‌های حقوقی سایر کشورها نیز چهره‌ای عمومی‌تر به این مسئله داده است، چنانکه در برخی کشورهای اروپایی قوانین صریح یا رویه قضایی امکان طرح دعاوی خصوصی در قالب مسئولیت مدنی را ممکن و حتی ترغیب نموده و در این راستا طرح اولیه‌ای در نظام اتحادیه اروپا برای یکسان‌سازی مقررات ناظر بر طرح دعاوی خصوصی نقض حقوق رقابت تهیه گردیده است.^۱

در کنار این مطلب، قاعده مصونیت که همواره به عنوان دفاع اصلی در دعاوی مطروحه علیه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در محاکم داخلی مطرح بوده با یک تغییر گستره بنیادین همراه گردیده است. این تغییر از یک سو ناشی از تغییر در رویکردهای نظام‌های حقوقی داخلی مانند آمریکا و از سوی دیگر ناشی از تغییر رویه در نظام حقوق بین‌الملل و عرف‌های بین‌المللی است. این امر از جهتی به منظور تحدید دامنه قاعده مصونیت برای ایجاد تعادلی همگون در روابط حقوقی بین‌المللی و حمایت از ارزش‌های بنیادین، همچون حقوق بشر، در عرصه جهانی است و از جهتی دیگر در راستای ایجاد تعادل معاملاتی در روابط بازرگانی و تجاری با امعان نظر به حضور فعال دولت‌ها در تجارت بین‌الملل است. در این مقاله هدف این نیست تا دامنه این قاعده و فلسفه و تاریخچه حرکتی که به سمت این تحدید شکل گرفته است به جهت هنجاری و ارزشی مورد بررسی قرار گیرد، بلکه به دور از جنبه تحلیلی این مسئله، هدف این است تا یک توصیف متناسب در راستای موضوع اصلی این مقاله برای دستیابی به اهداف عملی و کاربردی ارائه شود. بر این اساس برای بررسی جامع موضوع این مقاله لازم است تا در ابتدا طرحی از مفهوم نظام حقوق رقابت در آمریکا و جهت‌گیری خصوصی یا عمومی آن مورد اشاره قرار گیرد و با بررسی وضعیت فعلی آن بر اساس شرایط حاضر، مفهوم و نظام مصونیت در حقوق بین‌الملل، امکان طرح دعوی علیه اوپک و استناد به این دفاع در دعاوی آتی مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد.

1. White Paper on Damages Actions for Breach of the EC Antitrust rules, Brussels, 2.4.2008, COM (2008) 165 final.

۱- مفهوم و کارکرد حقوق رقابت و تطبیق آن بر اقدامات سازمان اوپک

۱-۱- مفهوم و دامنه حقوق رقابت

توجه به حقوق رقابت از نتایج اهمیت به آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی در کشورهاست (نوروزی، ۱۳۸۴: ۹۴). هدف قواعد رقابت تخصیص درست منابع و کارآمدی بهتر اقتصادی و افزایش ابتکارات و کاهش قیمت است، زیرا این قواعد موجب تسهیل مدیریت بازار از طریق جلوگیری از موانع رقابت آزاد در بازار می‌گردند و با ایجاد فضای رقابتی به وسیله تنوع‌بخشی به تأمین‌کنندگان و عرضه‌کنندگان کالا و خدمات سعی در سودرسانی به مشتریان دارند (Correa, 2007: 1). در رسیدن به این اهداف عمده‌ترین تلاش حقوق رقابت مبارزه با انحصار و پیشگیری از موقعیت‌های انحصاری است (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۷۱). قواعد ضدتراست گستره وسیعی از اقدامات ناقض رقابت در محیط بازار را ممنوع می‌سازد. رفتارهای ضدرقابتی ممکن است از طریق توافق دو یا چند بنگاه صورت پذیرد و یا از طریق تسلطی که یک شرکت بر بازار دارد. توافق میان بنگاه‌ها یا از طریق سازش صورت می‌پذیرد و یا از طریق ادغام دو یا چند شرکت محقق می‌شود. توافق اقدامات متفاوتی را شامل می‌شود؛ از جمله تثبیت قیمت‌ها در بازار، تصمیم درباره میزان تولید، محدود یا کنترل کردن میزان خرید یا فروش و یا حاکم ساختن شرایط غیرمشابه در معاملات مشابه. تقسیم بازار کالا یا خدمات بین دو یا چند شرکت و یا محدود کردن دسترسی اشخاص دیگر به بازار نیز از دیگر مصادیق نقض حقوق رقابت هستند (همان، ۱۷۲).

۱-۲- شمول قوانین ضدتراست بر اقدامات اوپک

بر اساس آنچه در رابطه با مصادیق نقض حقوق رقابت گفته شد، این سؤال پیش می‌آید که آیا فعالیت‌های سازمان اوپک بر مصادیق نقض حقوق رقابت منطبق هستند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال در ابتدا نیاز به تمیز و توصیف ماهیت و کارکرد سازمان اوپک است. این تفکر که اقدامات مشترک کشورهای صادرکننده نفت برای تثبیت قیمت‌های نفت ضروری و برای توسعه اقتصادی آن کشورها حیاتی است مبنای اصلی تشکیل اوپک در چهارم سپتامبر ۱۹۶۰ بوده است. تصور اولیه بر این بود که قیمت‌هایی که بسیار بالا و یا بسیار پایین باشند برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سودبخش نخواهد بود. در این راستا تعیین ظرفیت تولید کشورهای عضو از آنجا که موجب حفظ تعادل در عرضه و تقاضا می‌شود

برای آن کشورها کارآمد و مفید خواهد بود.^۱ بر اساس ماده ۱ اساسنامه سازمان اوپک، این سازمان یک سازمان بین‌الدولی متشکل از کشورهای مختلف است. در ماده ۲ از فصل اول اساسنامه نیز اهداف این سازمان به شرح ذیل تبیین شده است: «الف- هدف اصلی سازمان ایجاد هماهنگی و وحدت در خط مشی‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین شیوه‌ها برای تأمین منافع فردی و جمعی آنان خواهد بود. ب- سازمان روش‌ها و وسایل تأمین تثبیت قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی نفت را با امعان‌نظر به حذف نوسانات مضر و غیرضروری پیش‌بینی خواهد نمود. ج- مصالح ملت‌های تولیدکننده و ضرورت تضمین درآمدی ثابت برای کشورهای تولیدکننده، عرضه کافی اقتصادی و منظم نفت به ملت‌های مصرف‌کننده و یک بازده منصفانه به سرمایه آن‌ها که در صنعت نفت سرمایه‌گذاری می‌کنند، همواره مورد توجه مقتضی واقع خواهد شد».

در کنار مندرجات اساسنامه تأسیس اوپک، مرور تاریخ اوپک و عواملی که زمینه‌ساز تأسیس این سازمان شده است نیز به خوبی نشان می‌دهد که بنیانگذاری این سازمان هرگز در جهت تقابل با مصرف‌کنندگان نفت نبوده است، بلکه اوپک برای هماهنگی در مقابله با دست‌بالای شرکت‌های نفتی به وجود آمد. تا پیش از آن شرکت‌های نفتی با پایین نگه‌داشتن بیش از حد قیمت نفت و با بالا نشان دادن هزینه‌های تولید، عایدات کشورهای صاحب نفت که در غالب قراردادهای حق امتیاز^۲ محاسبه می‌شد را به حداقل رسانده بودند. اقدام یکجانبه بر علیه شرکت‌های بزرگ نفتی نیز ناممکن و یا بسیار دشوار بود، چرا که صنایع نفت این کشورها کاملاً تحت کنترل این شرکت‌ها بوده و آن‌ها کماکان به سرمایه و تکنولوژی این شرکت‌ها نیاز داشتند. بر این اساس اگر یک کشور خاص به تنهایی شرایط سخت‌تر، یا در واقع عادلانه‌تر، را در مقابل شرکت‌های بزرگ نفتی قرار می‌داد، طبعاً این شرکت‌ها سرمایه و تکنولوژی خود را به کشور دیگری منتقل می‌کردند (حسن‌تاش، ۱۳۷۹: ۳).

با این تفسیر سازمان اوپک صرفاً یک سیاستگذار در حوزه تولید و عرضه نفت می‌باشد که در راستای حفظ منافع بنیادین کشورهای عضو عمل می‌کند. هدف این نبوده است تا رقابت در بازار معاملات نفتی خدشه‌دار گردد، بلکه هدف اولیه مقابله با قدرت نابرابر و هماهنگ

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: دگرگونی نقش اوپک از تعدیل فیزیکی بازار به تعدیل روانی بازار، اقتصاد انرژی،

۱۳۸۶، شماره ۹۴ و ۹۵، ص ۹.

شرکت‌های نفتی به عنوان خریداران اولیه و اصلی حجم عظیم فروش کشورهای صادرکننده نفت بوده است. با این حال به جهت ساختاری و عملکردی اقدامات سازمان اوپک با اقداماتی که شرکت‌های بزرگ به منظور تخریب بازار با تثبیت قیمت‌ها در چارچوب ایجاد کارتل‌های بزرگ انجام می‌دهند مشابهت‌هایی دارد. بر اساس قوانین نقض حقوق رقابت آمریکا نیز اقدام به تثبیت قیمت به خودی خود^۱، نقض قواعد حقوق رقابت تلقی می‌گردد؛ صرف‌نظر از اینکه چنین اقدامی با چه هدف و در چه راستایی صورت گرفته باشد. بر این اساس این دفاع که هدف از ایجاد چنین کارتلی تحت عنوان اوپک تأمین منافع اقتصادی کشورهای عضو و توسعه آن‌ها است نمی‌تواند به خودی خود یک دفاع قابل قبول باشد. در واقع اگر صرف‌نظر از موقعیت اوپک به عنوان یک سازمان بین‌المللی به موضوع فعالیت‌های آن نگاه کنیم، چنین اقداماتی، بر اساس رویه‌ای که اکنون در این سازمان جاری است، در قالب نقض قواعد حقوق رقابت قرار می‌گیرد. در نتیجه این سؤال پیش می‌آید که آیا ضمانت اجرای مقررات حقوق رقابت آمریکا بر این اقدامات باز می‌گردد یا خیر؛ و اگر این قواعد بر این اقدامات حاکم گردد، مقرره‌ای برای مقابله با این ضمانت اجرا وجود دارد یا خیر؟

۱-۳- ماهیت دعوی حقوق رقابت

ضمانت اجرای قواعد رقابت می‌تواند در اشکال متفاوتی اعم از کیفی، انتظامی و حقوقی بروز نماید. ضمانت اجرای حقوقی شامل تدابیر و رویه‌های متفاوتی از جمله اخذ حکم برای منع اقدام خلاف قواعد حقوق رقابت، اقامه دعوی برای اعلام بطلان و استفاده از این قواعد به عنوان یک دفاع در دعاوی خصوصی است. در میان این ضمانت اجراها آنچه امروزه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است موضوع مسئولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از اقدامات ناقض حقوق رقابت است. طبق قواعد عمومی هر شخصی که از اقدام خلاف قانون شخص دیگری زیان ببیند، این حق را دارد تا خسارت خود را مطالبه نماید. لیکن اعمال این قاعده در بسیاری موارد با چالش‌هایی همراه بوده

1. Per Se Rule

در مقابل این قاعده بعضی اقدامات ضد رقابتی دیگر تحت قاعده تحلیل موردی (Rule of Reason) قرار می‌گیرند که بر اساس آن اقدام مربوطه صرفاً به هنگامی ممنوع است که با در نظر داشتن اوضاع و احوال به نتایج مخربی منتج می‌شود. این قاعده منبعث از رأی ۱۸۹۸ دیوان عالی آمریکا در دعوی Addyston Pipe & Steel Co. v. U. S., ۱۷۵ U.S. ۲۱۱ (۱۸۹۸) می‌باشد.

است. در رابطه با حقوق رقابت نیز این چالش‌ها به صورت جدی مورد بحث قرار گرفته‌اند. برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که باید بر نقش اصلی مقامات عمومی در نظام ضمانت اجرای قواعد رقابت تکیه داشت، اما گروهی دیگر با نگاهی تردیدآمیز به رویکرد عمومی، بر مکانیسم‌های حقوق خصوصی تکیه دارند.

تکیه بر ضمانت اجراهای خصوصی در کنار قواعد جزایی و انتظامی در حقوق رقابت در آمریکا سابقه دیرینه‌ای دارد و از همان ابتدای طرح و تصویب قوانین راجع به حقوق رقابت مورد توجه قرار گرفته است (3: Jacobson, 1998). بر اساس ماده ۷ قانون ۱۸۹۰ شرمین و ماده ۴ قانون کلایتون ۱۹۱۴^۱ این کشور اشخاص خصوصی مجاز هستند تا در صورت نقض قواعد رقابت زیان وارده به عنوان خسارت را از متخلف دریافت نمایند. بر این اساس در صورتی که این تصور وجود داشته باشد که اقدامات سازمان اوپک نقض قواعد حقوق رقابت تلقی می‌گردد، این احتمال به وجود خواهد آمد تا دعاوی متعددی از سوی اشخاص و شرکت‌های خصوصی به صورت دعاوی فردی یا جمعی برای جبران خسارات ناشی از قیمت بیش از معمول نفت و محصولات نفتی طرح گردد. در واقع به همان میزان که به دلایل سیاسی احتمال طرح دعاوی جزایی از سوی مقامات عمومی در آمریکا اندک است، احتمال طرح این دعاوی از سوی اشخاص خصوصی می‌تواند قابل توجه باشد.

۲- مفهوم و جایگاه دفاع مصونیت و حق اوپک بر آن

۲-۱- جایگاه مصونیت در حقوق داخلی کشورها و در حقوق بین‌الملل

۲-۱-۱- قاعده مصونیت در حقوق داخلی کشورها

اصل برابری دولت‌ها یکی از اصول اساسی در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود. به موجب این اصل تمامی دول از صلاحیت قضایی دولت یا دولت‌های دیگر مصون هستند^۲. به عبارت دیگر دو دولت نسبت به همدیگر حاکمیت ندارند و مصونیت دولت‌ها ناشی از تساوی حاکمیت‌هاست (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۹۷). بر این اساس دادگاه‌های یک کشور به عنوان یکی از مصادیق اعمال حاکمیت قادر نخواهند بود که صلاحیت خود را بر کشور دیگری اعمال نمایند، مگر اینکه دولت اخیر به اعمال چنین صلاحیتی رضایت داده باشد

۱. این قانون در سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۵۰ اصلاح گردید.

۲. البته مصونیت از نظارت قضایی شامل مصونیت از اجرای حکم نیز می‌شود.

(موسوی، ۱۳۸۵: ۸۷۶). در حال حاضر مصونیت دول خارجی در دادگاه‌های داخلی سایر دول به عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در رویه دولت‌ها و همچنین در قوانین داخلی بسیاری از کشورها همانند ایالات متحده آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا، پاکستان، آفریقای جنوبی تثبیت شده است. متن کنوانسیون سازمان ملل در رابطه با مصونیت دولت‌ها نیز در واقع تدوین قاعده عرفی از پیش موجود است. با این حال از همان آغاز، یعنی بعد از قضیه شونر اکسچنج^۱، قاعده مصونیت دولت‌ها تحولات دامنه‌داری را تجربه کرده است. گر چه قاعده مصونیت دولت‌ها امروزه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است اما در مورد استثنای این قاعده چنین اتفاق نظری وجود ندارد (ظاهری، ۱۳۸۳: ۱۲۱). در نظام حقوقی آمریکا گر چه از ابتدا قاعده مصونیت مطلق جاری بود، لیکن از سال ۱۹۵۲ دستگاه قضایی آمریکا با همراهی و هماهنگی دولت و سایر بخش‌های دستگاه حاکمه این کشور دیدگاه حقوقی خود را تغییر داده و از توسل و استناد به نظریه حقوقی مصونیت مطلق دولت‌ها و اموالشان در مقابل تعقیب و اجرایی، منصرف و نظریه حقوقی مصونیت محدود را مورد توجه و حمایت قرار داد. این امر باعث شد که وزارت امور خارجه آمریکا مداخله حمایتی خود از مصونیت دولت‌ها در مقابل تعقیب قضایی را محدود به مواردی نماید که مرتبط با مسائل حاکمیتی یا عمومی دولت‌هاست. در مواردی که وزارت خارجه در مسئله مداخله نمی‌کرد، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی، خود رأساً به بررسی و احراز صلاحیت یا عدم صلاحیت دولت ذی‌ربط می‌پرداخت. در واقع تقسیم ناخواسته صلاحیت احراز مصونیت دولت‌های خارجی بین دو بخش اجرایی در وزارت امور خارجه و قضایی در دادگاه‌ها موجب گردید که دادگاه‌های آمریکا با معضل دوگانگی در رسیدگی موارد مشابه مواجه گردند. قانون مصونیت‌های کشورهای خارجی^۲ ۱۹۷۵ آمریکا به منظور خاتمه به بررسی مسئله مصونیت، که تا پیش از آن به صورت پرونده به پرونده صورت می‌گرفته است، به تصویب رسیده است. در این قانون طبق ماده ۱۶۰۴ به مصونیت دولت‌ها نزد محاکم آمریکایی اشاره شده، اما موارد استثنای آن را نیز در مواد ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷ برشمرده است.

1. *The Schooner Exchange v. McFaddon*, Supreme Court of United States, 1812. 11 U.S. (7 Cranch) 116, 3 L. Ed. 287.

2. Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)

تا پیش از قانون مصونیت دولت‌های خارجی، اغلب مصونیت بر اساس دکترین ۱۸۹۷ اعمال حاکمیت مورد بررسی قرار می‌گرفت که تحت قاعده نزاکت بین‌المللی قرار می‌گرفت (Bender, ۱۹۹۸: ۲۴۲).

۲-۱-۲- قاعده مصونیت قضائی کشورها در حقوق بین الملل

قاعده مصونیت در حقوق بین الملل ریشه در یک بنیان عرفی دارد لیکن مهم ترین سند بین المللی در رابطه با مصونیت دولت ها کنوانسیون سال ۲۰۰۴ سازمان ملل می باشد. در این کنوانسیون^۱ با عنوان مصونیت های قضائی دولت ها و اموال آن ها^۲، که البته هنوز اجرایی نگردیده است^۳، ضمن پذیرش قاعده عمومی مصونیت، استثنائاتی برای آن مورد شناسایی قرار گرفته است (6: 2011, Boon). از جمله این استثنائات دعاوی مربوط به روابط تجاری و دعاوی مسئولیت مدنی با جمع شرایط خاص می باشد. گر چه به نظر می رسد دقت لازم در تدوین این مقررات و توجه به ویژگی ها و پیچیدگی های دعاوی بین المللی نشده است، لیکن تدوین این کنوانسیون و اجرایی شدن آن می تواند یک گام قابل توجه برای رفع ابهامات مسئله مصونیت در نظام حقوق بین الملل باشد. علاوه بر این کنوانسیون رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایتالیا^۴ نیز که تأکید مجددی بر مصونیت دولت ها داشته است به عنوان مبنای شناخته شده ای در رابطه با پذیرش این قاعده در حقوق بین الملل است.

۱. طبق قطعنامه شماره ۳۲/۱۵۱ دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موضوع مصونیت قضائی دولت ها و اموالشان از سال ۱۹۷۸ در دستور کار کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد قرار گرفت و در سال ۱۹۹۱ کمیسیون فوق، متن پیش نویس تهیه شده خود مشتمل بر ۲۲ ماده را جهت تصویب به مجمع عمومی توصیه نمود که کنفرانس بین المللی برای بررسی مواد پیش نویس برگزار و یک کنوانسیون بین المللی در این زمینه منعقد گردد. مجمع عمومی در همان سال در اجلاس چهل و ششم خود گروه کاری را تأسیس نمود که وظیفه آن بررسی مسائل ماهوی مربوط به پیش نویس مواد جهت تسهیل انعقاد کنوانسیون بود. مجمع موضوع را در اجلاس های ۴۷ لغایت ۴۹ و نیز ۵۲ لغایت ۵۴ ادامه داد. در سال ۲۰۰۰ (اجلاس ۵۵)، مورد بررسی قرار داد. مجمع با بررسی گزارش رئیس گروه کاری کمیته ششم، طبق قطعنامه ۱۵۰/۵۵ تصمیم به تأسیس کمیته خاص در خصوص موضوع نمود. کمیته خاص در اجلاس های ۵۶ لغایت ۵۹ به کار خود ادامه داد و در نهایت پس از ۲۷ سال مذاکرت طولانی، در دسامبر ۲۰۰۴ کنوانسیون مصونیت دول و اموال آن ها در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید.

۲. برای بررسی جامع این کنوانسیون ر. ک: موسوی، سید علی (۱۳۸۵) کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت ها و اموال آن ها، سیاست خارجی، شماره، ۸۰، صص از ۸۷۳ تا ۸۹۴، ص ۸۷۵.

۳. دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ چهارشنبه ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ برابر با ۲۷ دی ۱۳۸۵ کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت ها و اموال آن ها را امضاء نمود.

4. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2012, p. 99.

۲-۲- حرکت از مصونیت مطلق به مصونیت محدود

حرکت از «دکترین مصونیت مطلق» به «دکترین مصونیت محدود» می‌تواند یکی از اصول توافق شده در حقوق بین‌الملل در رابطه با مصونیت قضائی دولت‌ها تلقی گردد. دکترین مصونیت محدود، مراجع قضایی داخلی را به برقراری تفکیک میان فعالیت‌های کشورهای خارجی در سرزمین ملی، یعنی تفکیک میان اعمال حاکمیت و اعمال تصدی، رهنمون ساخته و تنها فعالیت‌های دسته اول را برخوردار از مصونیت دانسته است. در مقابل، هنگامی که کشوری عمل تصدی انجام می‌دهد، یعنی مانند یک صنعتگر یا تاجر عمل می‌کند و فعالیتش مانند شخص خصوصی است، او نمی‌تواند از مصونیت برخوردار شود (Dupuy, 1996: 112). در واقع در رویکرد جدید یک دولت نمی‌تواند در تمامی موارد مطروحه در دادگاه‌های خارجی به مصونیت خود استناد نماید و از تبعات اقدامات خود بری گردد بلکه در برخی موارد خاص مانند اقدامات تجاری اصولاً چنین دفاعی قابل استناد نخواهد بود. دلایل متعددی برای کاهش دامنه قاعده مصونیت وجود دارد و به واسطه اختلاف نظر در این دلایل رویکردها و رویه‌های متفاوتی در نظام‌های حقوقی مختلف شکل گرفته است. در این راستا، اسناد متعددی در سطوح مختلف تدوین گردید، که می‌توان به قوانین مصونیت دولت‌ها در کشورهای آمریکا، انگلستان^۱، استرالیا و کانادا در سطح ملی، کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت^۲ (کنوانسیون بال) در سطح منطقه‌ای و کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموالشان در سطح بین‌المللی اشاره نمود. تصویب کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل در رابطه با مصونیت قضائی دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه نیز نشانگر شکل‌گیری یک اجماع جهانی برای حمایت از نظریه حقوقی مصونیت محدود برای رسیدگی‌های مدنی است. به بیان دیگر جامعه جهانی با تصویب این سند عملاً تئوری مصونیت مطلق دولت‌ها را برای همیشه منسوخ اعلام نمود (موسوی، همان: ۸۸۵). این امر بیش از هر چیز ناشی از بسط و گسترش بی‌سابقه روابط و همکاری‌های بین‌المللی در کلیه سطوح به خصوص در زمینه‌های اقتصادی

۱. قانون مصونیت دولت ۱۹۷۸ انگلستان نیز با هدف ایجاد چارچوب‌های حقوقی برای نظریه حقوقی مصونیت محدود در انگلستان وضع گردید. طبق ماده ۱ آن، کلیه دولت‌ها نسبت به اعمالی صلاحیت دادگاه‌های انگلستان به جز برخی موارد مشخص در قانون مصون می‌باشند. موارد عدم مصونیت دولت‌ها در دادگاه‌های انگلیسی در مواد ۲ تا ۱۱ قانون مصونیت دولت‌های انگلیس که به طور عمده ناظر بر اعمال و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری دولت‌ها می‌باشند، احصاء شده‌اند.

2. EUROPEAN CONVENTION ON STATE IMMUNITY

است (ممتاز، ۱۳۶۰: ۲۲۰)؛ که نیازمند ایجاد تعادلی در روابط حقوقی میان کشورها است تا امکان پیگیری حقوق و تعهدات در سطح بین‌المللی وجود داشته باشد. با این حال این مسئله می‌تواند تبعات گسترده‌ای را برای حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل به وجود آورد، زیرا تعقیب یک کشور تحت قوانین و سیستم حقوقی کشور دیگر ممکن است آسیبی جدی بر اصل استقلال و برابری حاکمیت‌ها که از جمله اصول زیربنایی حاکمیت جهانی مناسب است، وارد آورد. تفسیر گسترده از محدودیت‌های اصل مصونیت موجب گسترش دامنه امکان طرح دعوی نسبت به هر گونه اقدام بین‌المللی می‌گردد، خصوصاً اینکه با تفسیر گسترده‌ای که از مفهوم مسئولیت مدنی می‌شود هر اقدام خاصی که با استانداردهای خاصی منطبق نباشد می‌تواند منجر به دعوی جبران خسارت گردد.

اگر چه در این کنوانسیون معامله و قرارداد تجاری تعریف شده است لیکن در مورد ضابطه‌ای که باید برای تشخیص بازرگانی بودن یک قرارداد یا معامله اعمال گردد، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. به منظور تعیین ملاکی برای تجاری تلقی کردن یک معامله یا قرارداد دو معیار «هدف» و «ماهیت» ارائه می‌شود. چنانچه به معیار هدف عمل کنیم، شاهد گسترش مصونیت قضایی دولت خواهیم بود، زیرا هر عملی می‌تواند به یک هدف حاکمیتی منجر گردد. از سوی دیگر مبنا قرار دادن معیار ماهیت، به تحدید قلمرو مصونیت دولت منتهی می‌گردد، زیرا بر اساس این ملاک فقط اعمالی وصف داد و ستد بازرگانی را ندارند که یک قدرت حاکم می‌تواند انجام دهد مانند ملی کردن کارخانجات و معادن.

با نگاهی به بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون درمی‌یابیم که کنوانسیون در پی تلفیقی از دو نظریه فوق‌الذکر می‌باشد به طوری که نه به صورت مطلق معیار ماهیت را برگزیده و نه تماماً معیار هدف را کنار گذاشته است. این ماده اشعار می‌دارد: «برای تشخیص اینکه آیا یک قرارداد یا معامله (معامله بازرگانی) است یا خیر، شایسته است که در درجه اول به ماهیت قرارداد یا معامله توجه شود، ولی هدف معامله نیز، اگر طرفین بر آن توافق کرده باشند، یا اگر در عملکرد دولت مقرر دادگاه، هدف معامله یا داد و ستد به وضوح تعیین‌کننده خصیصه غیرتجاری باشد، بایستی مدنظر قرار گیرد. کنوانسیون با ارائه فرمولی ترکیبی از دو معیار فوق در حقیقت توانسته سازشی بین طرفداران هر دو معیار عرضه کند که با ماهیت دو وجهی عملکرد دولت‌ها نیز سازگارتر باشد. در کنار این مسائل این نکته نیز باید مدنظر قرار گیرد که اصل حاکمیت ملت‌ها بر منابع و ثروت‌های طبیعی خود می‌تواند حوزه ارائه مواد خام و فرآورده

به بازار را شامل شود، زیرا همان طور که علمایی همچون پروفیسور ویرالی اظهار داشته‌اند، برخی اعمال دولت‌ها یا شرکت‌های دولتی اگر چه مشابهتی با اعمال تصدی‌گری دارد ولی چون موضوع تصدی در اکتشاف، بهره‌برداری و عرضه منابع طبیعی از جمله نفت خام و فرآورده‌های آن حدود نود درصد درآمد کشور مربوطه را شامل می‌شود، این اعمال را بایستی به عنوان اعمال حاکمیت شناسایی نمود.

با این وجود در نظام حقوقی آمریکا رویکرد متفاوتی در این رابطه اتخاذ شده است. بر اساس قانون مصونیت دولت‌های خارجی آمریکا مصونیت نسبت به اقدامات و اعمال تجاری حاکم نمی‌شود.^۱ در تعریف فعالیت‌های تجاری این قانون اشاره دارد که اقدام تجاری بایستی بر اساس توجه به ماهیت و رویه رفتاری یک اقدام یا معامله صورت پذیرد و نه با توجه به هدف آن (ماده ۱۶۰۳ قسمت د). این امر موجب گسترش بیش از حد دامنه استثناء اقدامات تجاری می‌شود، زیرا نه تنها دعاوی مسئولیت قراردادی را پوشش می‌دهد، بلکه هر نوع دعوی مسئولیت مدنی ناشی از یک اقدام بازرگانی و تجاری یا وابسته به آن را نیز پوشش خواهد داد، ضمن اینکه دامنه استثناء را نسبت به روابط حقوقی طرفین معامله بازرگانی گسترش خواهد داد. به عنوان نمونه در صورتی که کشتی بازرگانی متعلق به یک دولت در نتیجه تصادم با کشتی دیگری، خساراتی را به کشتی اخیر وارد آورد، دفاع مصونیت دولت مالک کشتی در دعوی احتمالی مطروحه مسموع نخواهد بود. علاوه بر این و به صورت وسیع‌تر در صورتی که اقداماتی که تحت قوانین سازمان جهانی تجارت ممنوع است صورت پذیرد، مانند محدودیت در صادرات و واردات، نه تنها می‌تواند به طرح دعوی در پانل‌های داوری این سازمان منجر شود، بلکه در صورت طرح دعوی مسئولیت مدنی توسط زیان‌دیدگان از این اقدام حاکمیتی، دفاع مصونیت در دادگاه‌های آمریکا مسموع نخواهد بود.

۲-۳- حق بهره‌مندی اوپک به عنوان یک سازمان بین‌المللی از دفاع مصونیت

همان طور که روشن است طرح دعوی علیه سازمان اوپک با طرح دعوی علیه کشورهای عضو این سازمان متفاوت است (Reinisch, 2010: 246). زیرا قاعداً مصونیت دولت

1. When the plaintiff's claim is based upon a commercial activity carried on in the U.S. by the foreign state. When the plaintiff's claim is based upon an act by the foreign state which is performed in the U.S. in connection with commercial activity outside the U.S.
When the plaintiff's claim is based upon an act by the foreign state which is performed outside the U.S. in connection with commercial activity outside the U.S. and which causes a direct effect in the U.S.

مسئله‌ای متفاوت از مصونیت سازمان‌های بین‌المللی است. آنچه در رابطه با حق دفاع مصونیت گفته شد، فقط در رابطه با مصونیتی بوده است که کشورها در محیط بین‌المللی از آن بهره‌مند هستند. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا اوپک به عنوان سازمانی متشکل از کشورها مختلف نیز از چنین مصونیتی برخوردار است؟^۱، در صورتی که سازمان‌های بین‌المللی را به سازمان‌های متشکل از کشورها و سازمان‌های متشکل از غیرکشورها تقسیم نماییم، شاید پاسخ به سؤال در رابطه با گزینه نخست چندان مشکل نباشد. در واقع نقض حق مصونیت در رابطه با یک سازمان بین‌المللی به مفهوم نقض حق مصونیت کشورهای عضو آن سازمان می‌باشد، به خصوص اگر این سازمان همانند اوپک هماهنگ‌کننده اقدامات حاکمیتی کشورهای عضو باشد و رأساً و به صورت مستقل اقدام به اتخاذ تصمیم نماید. بی‌تردید سازمان‌های بین‌المللی یک نقش قابل توجه در عرصه حاکمیت جهانی^۲ دارند که تصمیمات آن‌ها می‌تواند زندگی بسیاری از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس برخورداری از حق مصونیت یک اصل بنیادین برای اجرای کارکرد درست این سازمان‌ها می‌باشد. اعطاء مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند در زمره منافع حیاتی دولت‌ها^۳ تلقی شود؛ زیرا مصونیت سازمان‌های بین‌المللی برای عملکرد درست حاکمیت جهانی ضروری است. این سازمان‌ها خدماتی حیاتی در رابطه با توسعه، تأمین مالی، تأمین امنیت و اعمال سیاست خارجه ارائه می‌نمایند و بدون داشتن مصونیت نخواهند توانست دوایر خود را برپا و یا وظایف خود را اجرا نمایند. با توجه به نبود اصل حاکمیت در سازمان‌های بین‌المللی تفکیک بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی در رابطه با این سازمان‌ها چندان قابل پذیرش نیست؛^۴ بلکه اصل ضرورت کارکردی^۵ در رابطه با آن‌ها مصداق پیدا می‌نماید.^۶ این نظریه به دنبال فراهم

۱. موضوع مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در درافت کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است، لیکن در رابطه با مصونیت این سازمان‌ها در مراجع قضایی ملی به نکته‌ای اشاره نشده است.

Draft articles on the responsibility of international organizations, 2011, Adopted by the International Law Commission at its sixty-third session, in 2011, and submitted to the General Assembly as a part of the Commission's report covering the work of that session (A/66/10, para. 87). Yearbook of the International Law Commission, 2011, vol. II, Part Two.

2. Global Governance

3. Compelling State Interest

4. acts iure imperii on the one hand, and acts iure gestionis

5. Functional Necessity

6. Article 105 para. 1 UN Charter which provides: "The Organization shall enjoy in the territory of each of its Members such privileges and immunities as are necessary for the fulfillment of its purposes."

نمودن این امکان برای سازمان‌های بین‌المللی است تا به دور از هر گونه نظارت و بررسی رفتارشان توسط نهادهای قضائی داخلی بتوانند اهداف کارکردی خود را در عرصه بین‌المللی دنبال نمایند. البته این رویه عمومی است که مصونیت سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند توسط خود آن‌ها اسقاط شود، چه به صورت موردی و چه به صورت عمومی مانند درج در اساسنامه تأسیس چنانکه در اساسنامه برخی نهادهای بانک جهانی مانند IBRD و IDA و IFC چنین امری مقرر شده است.^۱

قانون مصونیت سازمان‌های بین‌المللی آمریکا^۲ در سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید. بر اساس بخش ب ماده ۲ این قانون سازمان‌های بین‌المللی از همان مصونیت کشورها برخوردار خواهند بود. این قانون به منظور رفع ابهامات برای برپایی سازمان‌های بین‌المللی در خاک آمریکا به تصویب رسیده است. در همین راستا دادگاه تجدیدنظر ایالت کلمبیا در سال ۱۹۹۸ و در دعوی *Atkinson v. Inter-American Development Bank* اعلام نمود که مصونیت سازمان‌های بین‌المللی مطلق است و محدودیت‌های مقرر در قانون سال ۱۹۷۵ در این رابطه اعمال نمی‌شود.^۳ با این حال این نظریه صرفاً تا سال ۲۰۱۰ دوام آورد زیرا در ۲۹ ژوئن این سال شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر آمریکا در دعوی *OSS Nokalva, Inc. v. European Space Agency* اعلام نمود که سازمان‌های بین‌المللی یک مصونیت مطلق را ندارند و همان محدودیت‌هایی که نسبت به مصونیت دولت‌ها اعمال می‌شود در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی نیز اعمال می‌شود. بر این اساس می‌توان بر این باور بود که دفاع مصونیت به همان میزان که در رابطه با کشورها عضو اوپک قابل اعمال است در رابطه با خود سازمان اوپک نیز قابل اعمال خواهد بود و همان محدودیت‌هایی که در رابطه با اعمال قاعده مصونیت وجود دارد در رابطه با سازمان اوپک نیز جاری خواهد بود.

۱. برای مقررات مشابه رجوع کنید به:

Inter-American Development Bank, Agreement Establishing the Inter-American Development Bank, Art. XI, § 3 (1959); European Bank for Reconstruction and Development, Agreement Establishing the European Bank for Reconstruction and Development, Articles 44, 46 (1990).
2. International Organizations Immunities Act (IOIA)

۳. برای بررسی انتقادات وارد بر این رأی ر. ک:

Lead article: international organizations in U.S. Courts: Reconsidering the Anachronism of Absolute Immunity, summer, 2008 SUFFOLK Transnational Law Review.
31 Suffolk Transnat'l L. Rev. 471 and Steven B. Herz August 2007 International Organizations in US Courts: Reconsidering the Anachronism of Absolute Immunity Available at: http://works.bepress.com/steven_herz/1

۳- طرح دعوی نقض حقوق رقابت علیه اوپک در آمریکا و دفاع مصونیت

بر اساس مسائل مقدماتی که در رابطه با مفهوم، کارکرد و اهداف حقوق رقابت مورد اشاره قرار گرفت و موضوعاتی که در خصوص سازمان اوپک بیان گردید، این سؤال مطرح می‌شود که آیا امکان طرح دعوی نقض حقوق رقابت علیه سازمان اوپک وجود دارد و در صورت طرح چنین دعوایی علیه این سازمان دفاع مصونیت به چه میزان به عنوان یک طریق دفاعی اطمینان بخش می‌تواند مورد اتکا قرار گیرد. آن طور که مورد اشاره قرار گرفت، اوپک نیز مانند سایر سازمان‌های بین‌المللی از حق مصونیتی، همانند آنچه کشورها از آن بهره‌مند هستند، برخوردار است، اما این مصونیت به صورت مطلق نیست و با استثنائاتی همراه است. اما این سؤال وجود دارد که نقض قواعد حقوق رقابت می‌تواند در زمره این استثنائات که از مهم‌ترین آن‌ها استثناء اقدامات تجاری است، قرار گیرد یا اینکه طرح چنین دعوایی علیه سازمان اوپک بی‌معنا خواهد بود. گر چه برخی با استناد به تجاری دانستن اقدامات اوپک تعقیب این سازمان بر اساس قانون مصونیت دولت‌های خارجی^۱، را ممکن و اعمال دفاع مصونیت در این رابطه را نامحتمل می‌دانند (4: Waller, 2002)، لیکن در عمل رویه متفاوتی در این رابطه اتخاذ شده است. بر این اساس در ادامه رویه دادگاه‌های کشور آمریکا در برخورد با این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- تاریخچه طرح دعوای نقض حقوق رقابت علیه اوپک در آمریکا و رویکرد کنگره

۳-۱-۱- رویه قضائی در دعوای علیه اوپک

همان‌طور که گفته شد نظام پیگیری حقوق رقابت در آمریکا جز در مواردی خاص مبتنی بر طرح دعوای خصوصی و مسئولیت مدنی است. علاوه بر این بر اساس قوانین آنتی‌تراست ایالات متحده، این قوانین بر اقداماتی که خارج از این کشور انجام شده‌اند اما اثر آن اقدامات در بازار ایالات متحده برجای مانده است نیز حاکم خواهد بود^۲. بر این اساس تا کنون سه بار در دادگاه‌های آمریکا علیه اوپک طرح دعوی نقض حقوق رقابت شده است^۳. جالب این است که تمامی این دعوای توسط اشخاص خصوصی طرح شده‌اند.

1. Foreign Sovereign Immunities Act

2. Effects Test

۳. برخی بر این باورند که حتی در مقررات ماده ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده اتحادیه اروپا نیز هیچ‌گونه مقرراتی که اعمال آن در رابطه با اوپک را محدود کند وجود ندارد (200: Terhecht).

اولین دعوی توسط انجمن ماشین کاران^۱ در دادگاه بخش کالیفرنیا مطرح گردید.^۲ انجمن مزبور به اتهام نقض قواعد کارتل در قانون شرمین با تثبیت قیمت‌ها علیه اوپک اقامه دعوی کرد. دادگاه بخش اعلام نمود که قاعده مصونیت در رابطه با اوپک صدق می‌کند.^۳ دادگاه این ادعا را که اقدامات اوپک تجاری است^۴ و بر این اساس جزء استثنائات دکتترین مصونیت کشورهای خارجی است را رد نمود و اقدامات آن را جزء اقدامات حاکمیتی دانست که در راستای حق آن‌ها برای برداشت از منابع اولیه طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دادگاه تجدیدنظر گرچه همچون دادگاه بخش، دعوی را رد کرد و حکم صادره را تأیید نمود، اما با استدلال‌های متفاوتی به این نتیجه رسید.^۵ این دادگاه نظریه مصونیت را آن‌چنانکه در رأی دادگاه بخش مورد استدلال قرار گرفته بود رد نمود، اما اعلام کرد بر اساس نظریه اعمال حاکمیت^۶ این صلاحیت برای دادگاه وجود ندارد تا اقدامات حاکمیتی یک کشور دیگر را مورد نظارت و بررسی قرار دهد.^۷

دعوی بعد توسط شرکت پرویت^۸ با استدلالاتی مشابه دعوی اولیه طرح گردید. در این دعوی که در دادگاه بخش آلاباما مطرح گردید، خواهان ادعا داشت که اوپک اقدام به نقض ماده ۱ قانون شرمین^۹ کرده است و بر این اساس درخواست مطالبه خسارت بر اساس ماده ۲۶

1. Association of Machinists

2. International Ass'n of Machinists & Aerospace Workers, ("IAM") v. Organization of Petroleum Exporting Countries ("OPEC"), 477 F. Supp. 553 (C.D. Cal. 1979).

۳. شناسایی اصل مصونیت دولت‌های خارجی اولین بار در رأی (Exchange v. McFaddon Schooner) شکل گرفت (۱۸۱۲) ۱۱۶ (۷ Cranch) ۱۱ U.S.

۴. بر اساس قسمت (د) ماده ۱۶۰۳ قانون مصونیت دولت‌های خارجی ایالات متحده اقدامات تجاری عبارت است از: «یک رویه یا اقدام تجاری و یا یا معامله یا قرارداد خاص».

"either a regular course of commercial conduct or a particular transaction or act." 28 U.S.C. § 1603(d).

5. International Ass'n of Machinists & Aerospace Workers, (IAM) v. Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC), 649 F.2d 1354 (9th Cir. 1981).

6. The Act of State doctrine

۷. شناسایی اصل عمل حاکمیت دولت ریشه در رأی دیوان عالی آمریکا در پرونده Underhill v. Hernandez دارد (۱۸۹۷) ۲۵۰ (۱۶۸ U.S.). در این دعوی دادگاه اعلام نمود: «هر حکومتی ملزم است تا به استقلال سایر دول احترام بگذارد و دادگاه‌های هر کشوری نمی‌توانند به قضاوت اقدامات سایر دولت‌ها بنشینند که در سرزمین خود آن‌ها صورت پذیرفته است». این قاعده تا سال‌ها اعمال نشده بود تا اینکه مجدداً در سال ۱۹۶۴ توسط دادگاه عالی اعمال شد که اشخاص خصوصی نمی‌توانند از اقدامات ملی کردن صنعت شکر توسط کوبا مطالبه خسارت نمایند.

8. Prewitt Enterprises, INC., v. Organization of Petroleum Exporting Countries

9. Sherman Act, 15 U.S.C. § 1

قانون کلیتون را داشت.^۱ خواهان با استدلال‌های خود حتی توانست دستور موقتی مبنی بر توقف یکساله اقدام به تثبیت قیمت علیه اوپک کسب نماید، اما این دستور موقت در دادگاه تجدیدنظر رد گردید. جالب است که شعبه ۱۱ دادگاه‌های تجدیدنظر خود را مشغول به رسیدگی در رابطه با قاعده مصونیت یا قاعده اعمال حاکمیت نساخت، بلکه دعوی را به خاطر عدم رعایت رویه مربوط به ابلاغ رد کرد.^۲

اخیراً نیز یک گروه فعال در زمینه منافع عمومی^۳، سازمان کشورهای صادرکننده نفت را به تثبیت غیرقانونی قیمت‌ها و ایجاد دو دستگی در بازار از طریق ایجاد تورم ساختگی متهم ساخته است. لری کلیمن^۴ مؤسس این گروه در این زمینه اظهار داشته است: «کشورهای عضو و به طور خاص سازمان‌های بین‌المللی میزان بشکته‌های نفتی را که هر کشور تولید می‌کند محدود می‌سازند که موجب افزایش بهای نفت می‌شود». وی اضافه می‌کند: «این مسئله موجب تثبیت غیرقانونی قیمت‌ها می‌شود. ایجاد تورم ساختگی در قیمت نفت موجب ایجاد مشقت زیاد برای آمریکایی‌هایی می‌شود که بسیاری از آن‌ها نمی‌توانند از عهده خرید بنزین در شرایط وخیم اقتصادی این روزهای آمریکا برآیند»؛ و ادامه می‌دهد که، «این اقدامات ... اقدامات یکجانبه و مستقل کشورهای مختلف نیست که به صورت سرزمینی در حوزه مرزهای سیاسی آن کشورها گرفته شود و فقط همان اشخاص را تحت تأثیر قرار دهد؛ به عنوان یک کارتل بین‌المللی، سازمان اوپک بر اقدامات تجاری مورد موافقت و همگون همه کشورهای عضو وابسته است تا به یک طرح توطئه تثبیت قیمت نائل شوند».

موارد گذشته برای آنکه وجاهت حقوقی داشته باشد، عمدتاً از نوع اقدامات حقوقی و گروهی بوده و به وکالت از سوی گروه کثیری از افراد مطرح شده است. مثلاً شکایت دادگاه آلاباما از سوی تمام خریداران نفت در آمریکا که از مارس ۱۹۹۹ اقدام به خرید فرآورده‌های نفتی نموده‌اند مطرح گردیده و شکایت دادگاه کلمبیا از سوی افرادی که در ناحیه کلمبیا و هفده ایالت دیگر اقدام به خریداری فرآورده‌های نفتی نموده‌اند، مطرح شده بود. وکلای شکات تلاش می‌کردند تا سابقه‌ای را به ثبت برسانند که اوپک به عنوان تخطی‌کننده از قوانین «ضد تراست»

1. Clayton Act, 15 U.S.C. § 26

۲. برای مطالعه و تحلیل این رأی ر. ک:

Herrmann, Christoph & Terhechte, Jörg Philipp (2009) European Yearbook of International Economic Law 2010, Springer.

3. Freedom Watch

4. Larry Klayman

است و برای حق الوکاله خود نیز انگیزه مضاعفی داشتند. نماینده اوپک نیز در دادگاه آلاباما حاضر شد تا از صدور حکم بر علیه این سازمان جلوگیری نماید. دفاع اوپک بر این اساس مبتنی بود که، «چنین برخوردهایی اصول حقوق بین‌المللی و همچنین حاکمیت مستقل دولت‌های جهان را مخدوش می‌نماید. دادگاه‌های آمریکایی حق ندارند و نمی‌توانند قوانین داخلی خود را به سطح بین‌المللی تعمیم دهند. این‌گونه بدعت‌گذاری در بلندمدت به ضرر همه کشورهای جهان و از جمله خود ایالت متحده خواهد بود. این‌گونه عملکرد یک سویه و قلدرمآبانه مبنای اعتماد متقابل در روابط بین‌المللی را مخدوش نموده و این شبهه را در اذهان جهانیان تشدید می‌کند که آمریکایی‌ها در روند جهانی شدن قائل به دموکراسی جهانی نبوده و علاقمندند که قوانین داخلی خود را بر جهان مسلط نموده و از همه اهرم‌های سیاسی و اقتصادی خود نیز در جهت تحقق این امر بهره‌گیری نمایند».

۳-۱-۲- رویکرد کنگره در تغییر قوانین به منظور تحدید دامنه مصونیت

همان‌طور که گفته شد طرح دعوی نقض حقوق رقابت و مطالبه خسارت هم از طریق اشخاص خصوصی ممکن است و هم از طریق اشخاص و مقامات عمومی. دعاوی خصوصی همواره با تردیدهایی درباره مصونیت و نظریه اعمال حاکمیت همراه بوده است و مقامات حقوق عمومی نیز به‌رغم تمایل و تأکید کنگره مبنی بر طرح دعوی علیه اوپک به دلایل سیاسی و اقتصادی از طرح چنین دعوایی همواره خودداری کرده‌اند. بحران ناشی از کمبود منابع نفتی در ایالات متحده در تابستان ۲۰۰۰ شرکت‌های نفتی و سازمان اوپک را در یک جنگ علنی قرار داد، جنگی که از زمان بحران انرژی در دهه ۷۰ میلادی دیده نشده بود. همانند گذشته کنگره به راهکار حقوق ضدتراست توجه نمود. در این راه کنگره به منظور اثربخشی بیشتر به ابتکارات خود در رابطه با حقوق رقابت و گریز از دفاع‌ها و مصونیت‌های جاری برای سازمان اوپک در دعاوی ضدتراست لویجی را تهیه نمود. در سال ۲۰۰۷ تلاش‌هایی برای تصویب قانون راجع به کارتل‌های نفتی برای رفع دفاع مصونیت انجام پذیرفت و حتی لایحه آن در مجلس نمایندگان نیز به تصویب رسید، اما این لایحه در سنا به تصویب نرسید.^۱ بر این اساس لایحه مشابهی در سال ۲۰۰۹^۲ تهیه و تحت عنوان قانون مبارزه با کارتل‌های تولید و صادرات نفت^۳ برای اصلاح قانون شرمین به تصویب اولیه رسید تا طرح دعوی علیه دولت‌ها یا سازمان‌های وابسته به آن‌ها

1. <http://www.govtrack.us/congress/bills/110/hr2264> (20/09/2012)

2. <http://www.govtrack.us/congress/bills/110/s879> (20/09/2012)

3. No Oil Producing and Exporting Cartels Act of 2011

در رابطه با نقض حقوق رقابت را مهیا سازد.^۱ بر اساس این قانون مصونیت حاکمیتی اعضاء اوپک لغو شده و وزارت دادگستری آمریکا می‌تواند کشورهای عضو اوپک را در دادگاه‌های آمریکا تحت پیگرد قرار دهد. این بدین مفهوم است که طرح دعوی از سوی اشخاص خصوصی همچنان بر اساس قوانین و رویه جاری خواهد بود و طرح دعوی علیه اوپک در آینده صرفاً از طریق مقامات وزارت دادگستری مجاز خواهد بود.^۲

۳-۲- تحلیل رویکرد ایالات متحده و تدابیر اوپک

نظام حقوق رقابت در آمریکا دارای دو خصیصه اصلی است. خصوصیت اول پیگیری اهداف و سیاست‌های حقوق عمومی در حقوق رقابت از طریق ابتکارهای خصوصی است و خصوصیت دوم تکیه بر اصل بازار،^۳ صرف‌نظر از اینکه اقدام ناقض حقوق رقابت در کجا و توسط چه شخص یا گروهی صورت پذیرفته باشد. بر این اساس طبق قواعد کلی حقوق رقابت، صرف‌نظر از اینکه نظام حقوق بین‌الملل چه اقتضائاتی دارد، اقدامات اوپک می‌تواند تحت قواعد ماهوی حقوق رقابت آمریکا قرار گیرد. در واقع اسباب طرح چنین دعوایی مهیا است و آنچه موجب جلوگیری یا وقفه در طرح چنین دعوایی است، موانعی است که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته شده در نظام حقوق آمریکا طرح چنین دعوایی را با مشکل مواجه می‌کنند. علاوه بر این مصلحت‌اندیشی سیاسی و اقتضائات عملی نیز در عدم طرح چنین دعوایی از سوی مقامات عمومی مؤثر است. این مسئله از دو جهت قابل بررسی است. یک مسئله رویکرد فراسرزمینی ایالات متحده و تحت شمول قرار دادن اقدامات انجام یافته‌ای است که در خارج از ایالات متحده صورت می‌پذیرد، چنانکه قوانین آمریکا تنها با توجه و تأکیدی که بر تأثیر این اقدامات می‌نمایند، صلاحیت یا عدم صلاحیت قانونی و قضایی خود را تعیین می‌نمایند. مسئله دیگر میزان اثربخشی حقوق بین‌الملل در برخورد با دامنه قاعده مصونیت و محدودیت‌های آن است. رویکرد فراسرزمینی ایالات متحده همواره مورد مناقشه بوده است، به خصوص در رابطه با حقوق رقابت و تأثیری که بر اقتصاد سایر کشورها می‌تواند داشته باشد. البته بررسی آن از حوزه این

۱. اوپک عملاً مخالفت خود را با طرح چنین قانونی اعلام داشته است. ر. ک:

<http://english.peopledaily.com.cn/200104/06/eng20010406_67034.html>
(last visited on 10/04/02).

۲. کاخ سفید تهدید کرد که این طرح را وتو می‌کند، اما حتی در صورت قانونی شدن این پیشنهاد نیز، هر گونه روند شکایت و پیگرد قانونی برضد اعضای اوپک باید از سوی وزارت انرژی آمریکا آغاز شود و دست دولت در اجرا یا مسکوت گذاشتن این مصوبه باز خواهد بود.

مقاله خارج است.^۱ اما در رابطه با موضوع دوم، یعنی حق مصونیت سازمان اوپک به عنوان یک دفاع در دعوای نقض حقوق رقابت، موضوع را از دو جهت بایستی مورد بررسی قرار داد. یک مسئله به خود اصل مصونیت و دامنه آن بر می‌گردد و مسئله دیگر تعیین مصادیق قاعده و استثنائات آن است. در رابطه با خود اصل مصونیت، این امر کاملاً پذیرفته شده است که اوپک به عنوان سازمانی بین‌المللی متشکل از کشورهای مختلف از حق مصونیتی که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و خود نظام حقوقی آمریکا کشورها از آن برخوردارند، بهره‌مند خواهد بود، اما با محدودیت‌هایی که در این رابطه وجود دارد. مهم‌ترین محدودیت در این رابطه استثناء راجع به اقدامات تجاری است. حال سؤال این است که آیا اقدامات اوپک می‌تواند به عنوان یک اقدام تجاری و بازرگانی تلقی شود. بی‌تردید پاسخ به این سؤال بسته به اینکه مرجع بررسی کجا باشد متفاوت است. اگر تکیه بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و طرح مدون آن در قالب کنوانسیون سازمان ملل متحد باشد، بی‌تردید پاسخ خیر خواهد بود. بر اساس ماده ۱۰ این کنوانسیون در صورتی که کشوری اقدام به انجام معامله بازرگانی با اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی نماید، اختلافات ناشی از این قرارداد یا در رابطه با آن می‌تواند به دادگاه کشوری که بر اساس قواعد بین‌الملل خصوصی تعیین می‌گردد ارجاع شود و در این رابطه دفاع مصونیت حاکم نخواهد بود.^۲ در متن این ماده هیچ اشاره‌ای به ماهیت دعوی مطروحه نشده است و اشاره‌ای به این امر نیز نشده است که آیا این قاعده فقط در رابطه با دعوای میان طرفین قرارداد قابل اعمال خواهد بود یا هر اختلاف مربوط به این قرارداد حتی با اشخاص ثالث را نیز شامل می‌شود. با این وصف سیاق عبارت و هدف کلی ایجاد توازن قراردادی که بنیان اصلی این قاعده استثنایی است، ما را به این تفسیر رهنمون می‌سازد که هدف صرف رفع دفاع مصونیت در دعوای است که میان طرفین قرارداد در رابطه با همان قرارداد ایجاد می‌شود. بر این اساس دعوای مسئولیت مدنی به صورت کلی از دایره این ماده خارج خواهند بود. آنچه در ماده ۲ کنوانسیون در رابطه با تعریف معاملات بازرگانی انجام شده است نیز همین معنا را تقویت می‌نماید.

۱. برای مطالعه در این رابطه ر. ک:

Desautels-Stein, Justin (2008). Extraterritoriality, Antitrust, and the Pragmatist Style Emory International Law Review, Vol. 22, p. 499.

2. Article 10: Commercial transactions:

1. If a State engages in a commercial transaction with a foreign natural or juridical person and, by virtue of the applicable rules of private international law, differences relating to the commercial transaction fall within the jurisdiction of a court of another State, the State cannot invoke immunity from that jurisdiction in a proceeding arising out of that commercial transaction.

در مقابل برای مسئله و دعاوی نقض حقوق رقابت مهم‌ترین مسئله در قانون مصونیت دول خارجی ایالات متحده موضوع استثناء اقدامات تجاری است. توصیف و تعریف گسترده اقدامات تجاری از طریق بررسی ماهیت و نه هدف اقدامات به صورت شدیدی مصونیت خارجی در رابطه با اقدامات حقوق رقابت را محدود نموده است. بر این اساس اقدامات معمول یک شرکت دولتی در محیط بازار در محدوده اقدامات بازرگانی قرار می‌گیرد، اگر اقدامات مربوط به آن شرکت تحت شمول اقدام به سوءاستفاده از انحصار یا سایر اقدامات ضد رقابتی قرار گیرد. به عنوان نمونه در دعوی *Outboard marine corp v. Pezetel*^۱ دادگاه بخش دفاع مصونیت خوانده که یک شرکت دولتی لهستانی بود را رد نمود. با این وجود دادگاه‌های آمریکایی در رابطه با اقدامات مربوط به تنظیم منابع ملی واقع شده در محدوده سرزمینی کشورهای مربوطه با توجه به حق پذیرفته شده کشورها در بهره‌برداری انحصاری از منابع طبیعی در راستای بهبود توسعه اقتصادی و دفاع از حاکمیت ملی در حقوق بین‌الملل با دید بازتری به دفاع مصونیت نگاه می‌کنند و گستره بیشتری برای آن قائل می‌شوند (American Bar Association, 1995: 15)؛ لیکن به‌رغم پذیرش دفاع مصونیت به عنوان یک امر کلی، رأی شعبه تجدید نظر دادگاه کالیفرنیا در دعوی *Machinists* می‌تواند رویه‌ای ایجاد نماید تا دفاع مصونیت در دعاوی نقض حقوق رقابت علیه اوپک کمتر مورد توجه قرار گیرد. برداشت نگارنده این است که اصل تأکیدی در همان رأی مبنی بر قاعده عمل حاکمیت و نیز عدم جری تشریفات راجع به ابلاغ در دعوی *Prewitt* چهره و بروزی از همان قاعده مصونیت است. در واقع اصل عمل حاکمیت نیز همانند قاعده مصونیت منتزع از اصل برابری حاکمیت‌ها است؛ تفاوتی نمی‌کند که مسئله به صورت یک امر شکلی مطرح شود و گفته شود، دادگاه ابتدا به ساکن نمی‌تواند صلاحیت قضایی خود را بر رویه و رفتار یک کشور دیگر اعمال نماید و یا به عنوان یک مسئله ماهوی، دادگاه از بررسی موضوعی اقدامات یک دولت دیگر به عنوان سبب دعوی به این استدلال که صلاحیت نظارتی ندارد، خودداری ورزد و یا ترتیبات راجع به ابلاغ به اوپک را به دلیل عدم رضایت این سازمان بر روش ابلاغ، غیرقانونی تلقی کند و یک مانع دائمی بر اقامه دعوی ایجاد نماید.

جنبه دیگر مورد بررسی تعیین مصادیق استثنائات است. اگر دعاوی مسئولیت مدنی به عنوان یک قاعده عمومی در قالب استثناء مصونیت پذیرفته شود، بی‌تردید اصل مصونیت به

1. *OUTBOARD MARINE CORP. v. PEZETEL* 461 F.Supp. 384 (1978) United States District Court, D. Delaware. September 27, 1978.

عنوان یک اصل کلی به خطر خواهد افتاد. مسئولیت مدنی گر چه از مسئولیت کیفری جدا است، اما ماهیت و کارکردهای مشابه آن به خصوص در دنیای حقوقی امروزی می‌تواند ما را با همان مناقشه‌ای که در رابطه با مصونیت در رابطه با تعقیب کیفری وجود دارد مواجه سازد. در واقع بازدارندگی و تأدیب دو کارکرد عمده دعاوی مسئولیت مدنی در نظام‌های حقوقی امروزی، به خصوص در نظام حقوقی آمریکا است، ضمن اینکه قالب دعوی مسئولیت مدنی می‌تواند پوشش مناسبی برای پیگیری اهدافی که غالباً در نظام حقوق کیفری دنبال می‌شود باشد. بر این اساس عمده دعاوی که در قالب حقوق کیفری قابل پیگیری هستند، می‌توانند در قالب دعاوی مسئولیت مدنی پیگیری شوند. کافی است پیش از عنوان مجرمانه عبارت «مطالبه خسارات ناشی از» قرار گیرد. بر این اساس حقوق رقابت که در اغلب کشورها ماهیتی کیفری و انتظامی دارد، می‌تواند در قالب دعاوی مسئولیت مدنی طرح شود و ماهیتی مدنی به خود گیرد. این در حالی است که فلسفه اصلی استثنائات اصل مصونیت در حقوق بین‌الملل، تکیه بر شمول عمومی قاعده مصونیت و تحدید آن به مواردی است که به دلیل واضح و صریحی چنین مصونیتی توجیه نمی‌شود. بر این اساس نه تنها در تعریف مفهوم و تعیین گستره استثناء اقدامات تجاری به عنوان یک ابهام مفهومی بایستی جانب احتیاط داشت، بلکه در تعیین مصادیق نیز باید به صورتی محتاطانه و با تفسیری مضیق عمل کرد.

در هر حال هر چه قدر این دو استدلال منطقی جلوه کند، نظام حقوق داخلی ایالات متحده در برخورد با تعهدات بین‌المللی برای خود سیاستی مستقل قائل است و قوانینی را که به مصلحت ببیند تصویب می‌نماید، صرف‌نظر از اینکه این قوانین ناقض تعهدات بین‌المللی باشد یا خیر. بر این اساس در فرضی که قانون جدید مقابله با کارتل‌های نفتی به تأیید رئیس جمهور رسد، لازم است تا سازمان اوپک نیز سیاستی بخردانه بیاندهید تا از تبعات حقوقی اقدام احتمالی در دادگاه‌های آمریکا مصون بماند. در سوی مقابل نیز نظام حقوقی آمریکا مناسب است تا به دنبال راهکارهایی جدا از آنچه اکنون پی گرفته است بگردد. در واقع همان‌طور که یک مقام کانادایی اظهار داشته است: «هنگامی که یک مسئله حقوق رقابت در صحنه بین‌المللی بروزی از تعارض سیاست‌ها میان دولت‌های مختلف است، این مسئله بایستی مورد تأیید و شناسایی قرار گیرد که هیچ قانون بین‌المللی حاکمی بر این مسئله وجود ندارد تا این تعارض را حل کند. در این موارد راه‌حل بایستی از طریق روش‌های معمول مشاوره و مذاکره جستجو شود. اینکه یک دولت برای حل این تعارض به سود خود با اعمال

قوانین داخلی در دادگاه‌های داخلی خود باشد، این امر مطابق با اصل حاکمیت قانون^۱ نخواهد بود، بلکه در پوششی قضایی، اعمال اصل (من می‌توانم پس می‌کنم)^۲ خواهد بود.^۳

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت، گر چه مصونیت چه در رابطه با کشورها و چه سازمان‌های بین‌المللی اصلی پذیرفته شده در نظام حقوق بین‌الملل و رویه جاری کشورها است، لیکن در حوزه و دامنه شمول این اصل و استثنائاتی که در طول زمان و بر اساس اقتضائات سیاسی و عدالت بر این اصل چیره شده است، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. این امر به خصوص در رابطه با دعاوی مدنی ناشی از خسارت و تعیین حدود قاعده استثناء فعالیت‌های تجاری وجود دارد. در این میان رویکرد مبتنی بر حمایت از بزه‌دیده و تأکید بر اصل دادستان خصوصی به منظور پیگیری اهداف سیاست عمومی بر پیچیدگی این مسئله افزوده است. وظیفه اصلی اوپک به عنوان سازمانی بین‌المللی متشکل از چندین کشور نفت‌خیز تعیین سیاست‌های عرضه نفت کشورهای عضو به منظور تثبیت عملکرد بازار و حمایت از سیاست‌های توسعه‌ای و اقتصادی آن کشورها، که درآمد آن‌ها بیش از هر چیز بر صادرات نفت متکی است، می‌باشد. با این حال افزایش قیمت نفت و محصولات پتروشیمی باعث گردیده تا انگشت اتهام به اشتباه به سمت سیاست‌گذاری‌های این سازمان نشانه رود. شایع‌ترین تدبیر در مقابله با این اقدامات اوپک، استناد به قوانین حقوق رقابت و ضدتراست داخلی در نبود یک رویه جاری بین‌المللی است؛ قوانینی که برخلاف رویه عمومی، ماهیتی حقوقی و خصوصی یافته‌اند. بر این اساس این سؤال مطرح می‌گردد که آیا این اقدامات در زمره استثنائات روابط تجاری قرار می‌گیرند و یا تحت قاعده کلی مصونیت باقی خواهند ماند. در موارد معدودی که اشخاص خصوصی علیه اقدامات سازمان اوپک در دادگاه‌های آمریکا اقدام به طرح دعوی مطالبه خسارات ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت کرده‌اند، این دادگاه‌ها رویکردهای متفاوتی داشته‌اند که در هر حال منجر به نتیجه‌ای واحد یعنی رد دعوی علیه اوپک گردیده است. با این حال تصویب قانون جدید مبارزه با

1. The Rule of Law

2. Might is Right

۳. برای مطالعه بیشتر در این رابطه ر. ک:

Stanford, J.S., (1978). The Application of the Sherman Act to Conduct Outside the United States: A View from Abroad, 11 CORNELL INT'L L.J. 195 & Griffin, Joseph P. (1998) Foreign Governmental Reactions to U.S. Assertion of Extraterritorial Jurisdiction, 6 GEO.MASON L. REV. 505.

کارتل‌های تولید و صادرات نفت، طرح دفاع مصونیت در دعاوی اقامه شده توسط مراجع عمومی متولی حقوق رقابت علیه اوپک را ممنوع ساخته است. گر چه دولت آمریکا هنوز این قانون را مورد تأیید قرار نداده است و مخالفت خود را از ابتدا با آن اعلام داشته و به لحاظ عملی نیز بعید است اقدام به طرح دعوی بر اساس این قانون نماید، لیکن اوپک نیازمند یک برنامه حقوقی خردمندانه به منظور ترسیم نقشه راهی برای مقابله با طرح چنین دعاوی است. در این میان استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و ابزارهای سیاسی و اقتصادی می‌تواند رویکرد مناسبی برای سازمان اوپک باشد تا از احتمال طرح چنین دعاوی بکاهد. کنوانسیون سازمان ملل متحد در رابطه با مصونیت دولت‌ها نیز گر چه به مرحله اجرا در نیامده است، اما با توجه به امضاء اولیه و تصویب آن در بسیاری کشورها می‌تواند رویه حقوقی عرفی بین‌المللی در این رابطه، به خصوص در رابطه با تعیین مفهوم و دامنه استثناء اقدامات تجاری، ایجاد نماید.

منابع

الف - فارسی

۱. حسن‌تاش، سید غلامحسین؛ «آیا اهداف مذکور در اساسنامه اوپک هنوز معتبر است؟ به بهانه اجلاس سران اوپک»، اقتصاد انرژی، ۱۳۷۹، شماره ۱۷.
۲. حسینی، سید شمس‌الدین و شفیعی، افسانه؛ «قانون رقابت و پیش‌شرط‌های اجرای مؤثر آن»، مجله بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۸۷، شماره ۲۹.
۳. صادقی، محمود؛ «تعامل و همزیستی قراردادهای پروانه بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت»، فصلنامه پژوهش بازرگانی، ۱۳۸۶، شماره ۴۳.
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ «مصونیت کشورها و مقامات حکومتی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۰، شماره ۴.
۵. ظاهری، علی‌رضا؛ «تحولات قاعده مصونیت دولت: تأثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا»، حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۳، شماره ۳۰.
۶. ممتاز، جمشید؛ «تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ۱۳۶۰، شماره ۲۲.
۷. ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیر؛ «مداخله آمریکا در امور ایران و اقامه دعاوی ایران در دیوان داور ایران و آمریکا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، شماره ۳۷.

طرح دعوی نقض حقوق رقابت علیه اوپک و دفاع مصونیت... ۲۷

۸. موسوی، سید علی؛ «کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها»، سیاست خارجی، ۱۳۸۵، شماره، ۸۰.
۹. نوروزی شمس، مشیت‌الله؛ «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، مصباح، ۱۳۸۴، شماره ۶۱.

ب- لاتین

10. American Bar Association; 1995, *Special Defenses in International Antitrust Litigation*, American Bar Association.
11. Bender, R; 1998, *Launching and Operating Satellites: Legal Issues*, Kluwer Law International.
12. Boon, Kristen E; 2011, "New Directions in Responsibility: Assessing the International Law Commission's Draft Articles on the Responsibility of International Organizations", The Yale Journal of International Law Online Vol. 37.
13. Brown, Gavin; 1993, *OPEC and the World Energy Market: A Comprehensive Reference Guide*, 2d ed. & Ajomo, A. (1977) An Appraisal of the Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC), 13 TEX. INT'L L.J. 11.
14. Cafaggi, Fabrizio; 2006, *The Institutional Framework of European Private Law*, New York, Oxford.
15. Correa, Carlos M; 2007, "Intellectual Property and Competition Law", ICTSD (international centre for trade and sustainable development) Programme on IPRs and Sustainable Development, issue paper No. 21.
16. De Brabandere, Eric; 2012, "Immunity of International Organizations in Post-Conflict International Administrations *International Organizations Law Review*", Vol. 7, No. 1, pp. 79-119, 2010. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1993000>
17. Draft articles on the responsibility of international organizations; 2011, *Adopted by the International Law Commission at its sixty-third session*, in 2011, and submitted to the General Assembly as a part of the Commission's report covering the work of that session (A/66/10, para. 87). Yearbook of the International Law Commission, 2011, vol. II, Part Two.
18. Dupuy, P.M; 1996, *Droit International public*, 4 edition, Dalloz.
19. Griffin, Joseph P; 1998, *Foreign Governmental Reactions to U.S.*, Assertion of Extraterritorial Jurisdiction, 6 GEO.MASON L. REV. 505.
20. Herrmann, Christoph & Terhechte, Jörg Philipp; 2009, *European Yearbook of International Economic Law 2010*, Springer.

21. Keitner, Chimène I; 2010, "**Officially Immune? A Response to Bradley and Goldsmith**", The Yale Journal of International Law Online. Vol. 36
22. Reinisch, August; 2010, *Challenging Acts of International Organizations Before National Courts*, Oxford University Press.
23. Ryngaert, Cedric; 2009, *The Immunity of International Organizations before Domestic Courts: Recent Trends*, Institute for International Law, Katholieke Universiteit Leuven, Faculty of Law Working Paper No. 43.
24. Stanford, J.S; 1978, *The Application of the Sherman Act to Conduct Outside the United States: A View from Abroad*, 11 CORNELL INT'L L.J. 195.
25. Terhechte, Jörg Philipp & Herrmann, Christoph; 2009, *European Yearbook of International Economic Law 2010*, Springer.
26. Waller, Spencer Weber; 2002, *Suing OPEC. University Pittsburgh Law Review*, Vol. 64, No. 105.